

عنوان مقاله:

حکومت موازین اسلامی بر اطلاق و عموم اصول قانون اساسی در رویه فقهای شورای نگهبان؛ نگاهی رویه ای به آثار نظارت شرعی بر اصول قانون اساسی

محل انتشار:

فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره 8، شماره 24 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

حامد نیکونهاد - استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

زهرا زندیه - کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم، قم، ایران

خلاصه مقاله:

اصل 4 قانون اساسی بدان سبب که زیربنای تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران را شکل می دهد، از اساسی ترین اصول قانون اساسی به شمار می آید. دایره شمول فراز دوم این اصل علاوه بر قوانین و مقررات گوناگون، سایر اصول قانون اساسی را دربرداشته و بیانگر حکومت موازین اسلامی بر اطلاق و عموم احکام مقرر در اصول قانون اساسی است. تتبع در اسناد موجود نشان می دهد که در طول تاریخ چهل ساله قانون اساسی، از طریق اعمال نظارت شرعی از سوی فقهای شورا، اطلاق یا عموم سه اصل از قانون اساسی (اصول 13، 69 و 121) براساس این ظرفیت اصل 4 مقید شده اند. این مقاله با تحلیل رویه ای این سه مورد، عهده دار ظرفیت سنجی این فراز از اصل 4 و ارزیابی این نظریات است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که دو مورد از این نظریات شرعی اعلام شده، همساز با رویکرد تفسیری منشاگرایانه و یک مورد محصول برداشت متفاوت اجتهادی فقهای شورای نگهبان است. کاربرست ظرفیت های موجود در اصل 4 در مواردی ممکن است به تحول پذیری قانون اساسی منتهی شود که در یک برداشت، در راستای اهداف، آرمان ها و دغدغه های صاحبان اصلی قانون اساسی قابل توجیه و تکامل است. باری، اعمال نظارت شرعی مصرح در اصل 4 به خودی خود تقابلی با ثبات و استحکام قانون اساسی ندارد. افزون بر این، این پژوهش، عهده دار نسبت سنجی دو دانش واژه نظارت شرعی و تفسیر قانون اساسی است. با بررسی و تحلیل مفهوم، آثار و مواضع نظارت شرعی و تفسیر می توان ادعا کرد که ارتباط تنگاتنگی میان این دو مفهوم وجود دارد، تا حدی که می توان ادعا کرد نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان به معنای ورود به عرصه اعمال اصل 98 و تفسیر قانون اساسی است.

کلمات کلیدی:

اصل 4 قانون اساسی، نظارت شرعی، اصل 13، اصل 69، اصل 121، قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1017805>

